



بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) خطاب به مردم زحمتکش و مبارز ایران

مبارزه و مقاومت قهرمانانه دانشجویان در برابر ارتجاع حاکم بر ایران و نیروهای سرکوبگر آن، مجدداً رژیم جمهوری اسلامی را با بحرانی جدی روبرو ساخته است.

در حالی که رژیم جمهوری اسلامی، نیروی سرکوب خود را برای مقابله با جنبش دانشجویی در ۱۸ تیر آماده می‌کرد، این جنبش، رژیم را غافلگیر کرد و زودتر از موعدی که رژیم در انتظارش بود، تعرض خود را بار دیگر آغاز نمود. جنبشی که ۵ روز پیش، از کوی دانشگاه تهران آغاز گردید، در نتیجه ایستادگی قهرمانانه دانشجویان در برابر نیروهای سرکوب ارتجاع و حمایت توده‌های مردم از اعتراض و مبارزه دانشجویان در حال گسترش است.

دانشجویان دانشگاه‌های دیگر، از جمله دانشگاه بهشتی در تهران، دانشجویان دانشگاه‌ها در اصفهان و شیراز، هم اکنون به این جنبش جدید پیوسته‌اند و بخش‌هایی از توده‌های مردم نیز به راهپیمایی‌ها و تظاهرات دانشجویان پیوسته‌اند.

رژیم جمهوری اسلامی که از رشد و گسترش روزافزون این جنبش و شعارهای رادیکال آن که تمام موجودیت جمهوری اسلامی را هدف قرار داده است، با هراس مرگباری روبرو شده است، تمام پرده‌ها را کنار زده است. مزدوران سرکوبگر خود را از نیروهای ضدشورش و ماموران وزارت اطلاعات گرفته تا سپاهی و بسیجی را برای سرکوب این جنبش بسیج نموده است. دانشگاه‌ها و مراکز سکونت دانشجویان را به اشغال نظامی در آورده و از روز گذشته بی‌مهابا تظاهرکنندگان را به گلوله می‌بندند.

صفحه ۳

تظاهرات توده‌ای ، پیش درآمدی بر یک طوفان بزرگ

درشامگاه ۲۰ خرداد صدها تن از دانشجویان کوی دانشگاه تهران که همواره بیشنازترین مرکز دانشجویی در مبارزه علیه رژیم‌های ستمگر حاکم بر ایران بوده‌است، در اعتراض به طرح خصوصی سازی دانشگاه‌ها ، با شعارهای "دانشگاه خصوصی نیست" دانشجویان فروشی نیست" " مرگ بر غارتگر بیت‌المال " "آزادی، عدالت، این است شعار ملت" از کوی دانشگاه به سوی خیابان کارگر به حرکت در آمدند.

هنوز مدت زمانی از تظاهرات دانشجویان نگذشته بود، که هزاران تن از مردم تهران، با شعار "دانشجو، حمایت می‌کنیم" به این تظاهرات پیوستند و صدای بوق اتومبیل‌ها در خیابان‌های تهران به عنوان نشانه‌ای از همبستگی با تظاهرات دانشجویان به صدا درآمد.

با توده‌ای شدن این تظاهرات، لحظه به لحظه شعارها رادیکال تر شد و از شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" تا شعار های مرگ بر خامنه‌ای، رفسنجانی و خاتمی و مرگ بر جمهوری اسلامی ارتقاء یافتند.

نیروهای مسلح سرکوب رژیم، که به منظور سد کردن مسیر تظاهرکنندگان به سوی خیابان انقلاب و جلوگیری از پیوستن بیشتر مردم به تظاهرات، راه‌های ورودی از خیابان انقلاب را مسدود کرده بودند، به مقابله و درگیری با مردم برخاستند. تظاهرکنندگان بابر افروختن آتش در خیابان‌ها و ایجاد موانع، با نیروهای ضدشورش درگیر شدند. ماشین‌های آنها را سنگباران کردند. به برخی از مراکز دولتی حمله کردند و شیشه‌های چند شعبه بانک را شکستند.

این تظاهرات تا روز ۲۱ خرداد، دیگر مراکز دانشگاهی و برخی مناطق تهران را فراگرفت و در طی چند روز به اصفهان، شیراز، مشهد، بابل، بهشهر، کرمان، یزد، همدان، تبریز، سنندج و خلاصه کلام تا دورترین شهرستان‌ها گسترش و بسط یافت.

در جریان این تظاهرات سراسری و توده‌ای، حداقل ۵ تن از مردم توسط مزدوران رژیم به قتل رسیدند. صدها تن روانه بیمارستان‌ها شدند و هزاران تن دستگیر شدند.

تظاهراتی با چنین ابعاد توده‌ای و سراسری و رادیکال‌ترین شعارها برای سرنگونی رژیم، پیش از این در تمام دوران موجودیت جمهوری اسلامی سابقه نداشت.

صفحه ۲

فشرده اخبار و گزارش اعتراضات دانشجویی و تظاهرات خیابانی

تهران- از بیستم خرداد، دانشجویان دانشگاه‌های مختلف در تهران، دست به یک رشته تجمعات، تظاهرات و راهپیمایی‌های اعتراضی زدند. اجتماع اعتراضی دانشجویان که از کوی دانشگاه تهران و در اعتراض به خصوصی سازی دانشگاه‌ها آغاز شد، به سرعت، بسیاری از خیابان‌ها، میادین و محلات تهران و نیز سایر شهرهای کشور را درنوردید و با پیوستن

هزاران تن از جوانان و سایر اقشار مردم به صف دانشجویان، این اعتراضات به فوریت رنگ و بوی سیاسی به خود گرفت. به رغم آن که یونسی وزیر اطلاعات رژیم در همان نخستین روز اعتراضات توده‌ای اعلام کرد که سازمان‌دهندگان این اعتراضات را دستگیر نموده و وزیر کشور نیز تهدید کرد که با "اغتشاش گران" به شدت برخورد خواهد شد و بالاتر از آن، شخص خامنه‌ای نیز از اعمال و جیره خواران خود خواست تا قاطعیت بیشتری به خرج دهند، اما اجتماعات و تظاهرات اعتراضی تا ده روز ادامه یافت. ده روزی که زمین زیر پای حکومت اسلامی را لرزاند. در این اجتماعات اعتراضی که عموماً شب‌ها آغاز و تا نزدیک صبح تداوم می‌یافت، دانشجویان اکثر دانشگاه‌ها در تهران، از جمله دانش‌جویان دانشگاه بهشتی، علامه طباطبایی،

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۲۹)

در شماره قبل، نقش زنان در جنبش انقلابی در روسیه در نیمه دوم قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، از کتاب مبارزه طبقاتی و رهائی زنان درج شد، قسمت بعدی به برهه انقلاب ۱۹۰۵ اختصاص دارد.

در پی انقلاب ۱۹۰۵

تنها در سال ۱۹۰۵، هنگامی که حکومت در برابر اعتلاء ناآرامی توده‌ای و اداریه عقب نشینی شد، سازماندهی گسترده زنان کارگر ممکن گردید. مارکسیست‌ها خود را در

صفحه ۷

صفحه ۵

۸ پاسخ به سؤالات

خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها

۴ و بیانیه‌های سازمان

از صفحه ۱ تظاهرات توده‌ای ، پیش درآمدی بر یک طوفان بزرگ

اکنون ازدامنه وابعاد این تظاهرات کاسته شده‌است، اما تمام شواهد موجود حاکی است که این تظاهرات، پیش درآمدی بر اشکال عالی تر مبارزه است که فرارسیدن طوفان انقلاب را اعلان خواهند کرد. این تظاهرات، دما سنجی برای آمادگی مردم برای انقلاب بود. تظاهرات نشان داد که توده های مردم ایران، پس از یک دوره نبردهای پراکنده و آزمودن اشکال متنوعی از مبارزه، اکنون به آن مرحله از آمادگی رسیده اند که در یک جنبش توده ای سراسری به نبردی سرنوشت ساز برای سرنگونی جمهوری اسلامی برخیزند. مرحله جدیدی از رشد جنبش و اعتلای انقلابی فرا رسیده است. بحران سیاسی به نهایت ژرفای خود رسیده است. ناراضی توده ای از وضع موجود، ابعاد چنان گسترده و سراسری به خود گرفته است که در نوع خود کم نظیر است. بحران اقتصادی و توام با آن سیاست - های طبقه سرمایه دار و دولت مجری آنها، چنان عرصه را بر توده های زحمتکش مردم تنگ کرده‌است که دیگر به هیچ روی نمی‌توانند حداقل معیشت خود را تامین کنند. فشارهای سیاسی رژیم نیز به حد غیر قابل تحملی رسیده‌اند. نکته مهم اما این است که توده‌های مردم نه تنها از وضع موجود ناراضی‌اند، نه تنها نمی‌خواهند به شیوه نکبت بار کنونی زندگی کنند، بلکه حقیقتاً به لحظه‌ای رسیده - اند که دیگر نمی‌توانند به شیوه کنونی زندگی کنند و وضع موجود را تحمل کنند. ناراضی توده‌ای، اعتراض و مبارزه به آن مرحله از رشد خود رسیده است که توده مردم برای دگرگونی وضع موجود، آماده هرگونه از خود گذشتگی و جانفشانی هستند. تظاهرات اخیر، به وضوح این حقیقت را نشان داد.

همین واقعیت نشان می‌دهد که توده های وسیع مردم، دیگر هیچ گونه امیدی به بهبود وضع خود در چارچوب نظم موجود ندارند. شکست سیاست های رژیم و نه فقط جناح مسلط آن، بلکه جناح موسوم به "اصلاح طلب" آن حتا بر عقب مانده ترین بخش توده های مردم آشکار و عیان شده است. دیگر ذره ای هم توهم به رژیم یا جناحی از آن باقی نمانده است. شعارهای مردم در تظاهرات اخیر علیه خاتمی، تیر خلاصی بود که بر پیکر بی جان مدعیان اصلاح طلبی از درون حاکمیت، شلیک می‌شود.

مجموعه این اوضاع، رشد فزاینده اعتراضات و مبارزات توده‌ای، شکست تمام سیاست‌های رژیم که هر جناحی، دیگری را مسبب آن اعلام می‌کند و بالنتیجه عمیق تر شدن بحران اقتصادی و سیاسی، تضاد های درون هیئت حاکمه را تشدید نموده و شکاف های درونی را عمیق تر کرده‌اند. این شکاف به درجه‌ای عمیق شده است که حتا گروهی از درون هیئت حاکمه عملاً به اردوی اپوزیسیون بورژوازی رژیم پیوسته‌است. عمیق تر شدن این شکاف، امکان بیشتری برای فوران خشم و ناراضی توده ای فراهم نموده است.

اوضاع جمهوری اسلامی، تنها در داخل وخیم و بحرانی نیست. وضعیت بین المللی نیز به وخامت بیشتر موقعیت جمهوری اسلامی یاری رسانده است. اوضاع سیاسی منطقه خاور میانه به زیان رژیم تغییر کرده است.

قدرت‌های بزرگ جهانی، برای پیشبرد سیاست - های خود در منطقه و ایران و در عین حال، تلاش برای مهار انقلاب توده‌های مردم ایران، رژیم را تحت فشار سیاسی قرار داده اند تا تغییرات مورد نظر آنها را به مرحله اجرا درآورد. امپریالیسم آمریکا و امپریالیست های اروپایی، به رغم تضادهایی که بر سر خاور میانه و به ویژه ایران با یکدیگر دارند، در این نقطه نظر، اتفاق نظر دارند که انقلاب در ایران به ویژه در شرایطی که وضعیت منطقه خاورمیانه، بحرانی، بی ثبات و درهم ریخته است، می‌تواند بسیاری از معادلات منطقه‌ای آنها را برهم بزند. معهداً، آنها این را نیز می‌دانند که نه تنها با وجود جمهوری اسلامی پیشرفت سیاست های آنها در منطقه با مشکل روبرو خواهد شد، بلکه هر لحظه امکان وقوع یک انقلاب در درون خود ایران وجود دارد. از این جاست که فشارهای سیاسی خود را به رژیم تشدید کرده‌اند.

لذا دولت آمریکا، در همان حال که اکنون در تدارک آلترناتیو سازی برای مهار جنبش انقلابی توده های مردم ایران، در مرحله‌ای است که سرنگونی جمهوری اسلامی به واقعیتی بالفعل تبدیل شود، لاف در لحظه کنونی، سیاست‌های خود را با سیاست های قدرت های اروپایی هم آهنگ نموده‌است که خواهان تشدید فشار به جناح مسلط هیئت حاکمه برای پذیرش پاره ای از تحولات از درون خود رژیم، بدون تلاطماتند.

قدرت‌های اروپایی تاکنون نیز منتهای تلاش خود را برای پیش برد این سیاست به کار برده‌اند. آنها نگران میلیارد ها سرمایه گذاری و سود - های هنگفت آن در ایران هستند، از آن بیم دارند که ادامه سیاست های جمهوری اسلامی به روال کنونی، به چنان انفجاری بیانجامد که این بازار بزرگ و سودآور را از دست بدهند. معهداً شکست این سیاست، از مدتها پیش بر ملا شده‌است. نه جناح مورد حمایت آنها در درون هیئت حاکمه از قدرت، جریزه و توان لازم برخوردار است که بتواند با جناح مسلط رویا رویی کند و سیاست های مطلوب قدرت های جهانی را پیش برد و نه جناح مسلط با وجود این که موقعیت اش در اوضاع کنونی بیش از هر زمان دیگر متزلزل است، به سادگی تسلیم خواهد شد و قدرت را واگذار خواهد نمود. چرا که از دید آنها این به معنای از دست رفتن قدرت، منافع و پایان جمهوری اسلامی، لاف در شکل و شمایل کنونی آن خواهد بود. در این جاست که جناح هایی از بورژوازی ایران و بورژوازی بین المللی، از جنگ و مقابله نظامی، هم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و هم برای مقابله با انقلاب در ایران، دفاع می‌کنند. این دیدگاه، در لحظه کنونی، دیدگاه و سیاست هیچ یک از قدرت های جهانی نیست. این شق در شرایطی که قدرت - های آمریکایی و اروپایی، به نحو روز افزونی در افغانستان و عراق در منقلب یک جنگ فرسایشی فرو می‌روند، غیر محتمل تر از هر زمان دیگر می‌گردد. این قدرت های خونی می‌دانند که در ایران، آنها با معضلاتی هزار بار پیچیده تر از افغانستان و عراق روبرو خواهند شد که به هیچ روی یاری مقابله با آنها را نخواهند داشت.

بنابراین، علی رغم تلاش های قدرت های بزرگ، تنها یک شق، بیشترین احتمال و امکان تحقق را خواهد داشت و آن مقابله قدرت توده ای، برای به زیر کشیدن قدرت

موجود است و این معنای دیگری جز یک انقلاب نخواهد داشت.

تظاهرات اخیر نیز همین واقعیت را نشان داد و بر امکان تحقق این شق، در شرایطی که اوضاع داخلی رژیم به منتها درجه وخیم شده است و از نظر بین المللی نیز تحت فشار قرار گرفته است، مهر تأیید زد.

این تظاهرات توده ای و سراسری، فرارسیدن مرحله جدیدی از رشد جنبش و اعتلای انقلابی را اعلام نمود. از اینرو آن را باید پیش درآمدی بر یک موج وسیع اعتصابات اقتصادی و سیاسی توده‌ای دانست که سرانجام به اعتصاب عمومی سیاسی خواهد انجامید.

قانونمندی های مبارزه طبقاتی و توده ای و نیز تجارب عملی این مبارزات در دوران های انقلابی، نشان داده‌است که در ایران، همواره در پی یک رشته، اعتراضات و مبارزات پراکنده، این مبارزه در مرکز یعنی در تهران به صورت تظاهرات، شکلی بالنسبه منسجم به خود خواهد گرفت و از اینجا به پیرامون، به شهرستان ها

انتقال می‌یابد و شکلی بالنسبه سراسری به خود خواهد گرفت. هنگامی که جنبش به این مرحله از رشد و ارتقاء خود می‌رسد، لاجرم باید به شکل عالی تری از مبارزه ارتقاء یابد.

چرا که هم عدم کارایی این شکل از مبارزه به تنهایی، در عمل آشکار می‌گردد و هم الزامات توده‌ای تر شدن جنبش فرارویی به شکلی نوین و عالی تر از مبارزه را ایجاب می‌کند. برای این که جنبش توده‌ای چنان وسعت گیرد که در

ابعادی نوین ظاهر گردد، پر جمعیت ترین طبقه یعنی طبقه کارگر باید به جزیی لاینفک از این جنبش سراسری و ستون فقرات آن تبدیل شود. کارگران هم اکنون به صورت عناصر منفرد در

تظاهرات توده ای حضور دارند و گاه کارگران یک یا چند کارخانه به طور مجزا تظاهرات برپا می‌کنند، اما هنوز نمی‌توانند به عنوان یک طبقه و یک جریان توده ای در تظاهرات مرحله کنونی حضور یابند. کارگران نمی‌توانند هر روز کارخانه و موسسه ای را که در آن کار می‌کنند تعطیل کنند و در خیابان ها تظاهرات کنند. مرکز قدرت نمایی آنها کارخانه و شکل

مختص و ویژه مبارزه آنها اعتصاب است. بنابراین ارتقاء شکل مبارزه و توده ای شدن گسترده و همه جانبه جنبش سراسری، معنای دیگری جز تبدیل شدن اعتصاب به شکل اصلی مبارزه نخواهد داشت. این اعتصابات که در

آغاز با یک موج اعتصابات اقتصادی و سیاسی و یا تلفیقی از این دو همراه خواهد بود، در نقطه اوج خود به اعتصاب عمومی سیاسی خواهد انجامید. در این مقطع است که کار

- گران به عنوان یک طبقه در تظاهرات حضور می‌یابند و تلفیق این دو شکل اصلی مبارزه که با یک رشته از اشکال جنبی و فرعی مبارزه، از جمله قیام های محلی، مبارزات و درگیری های مسلحانه همراه خواهد شد، شرایط را برای قیام مسلحانه عمومی و سراسری و سرنگونی رژیم فراهم خواهد ساخت. روند تبدیل و تبدل اشکال مبارزه و سرعت ارتقاء آنها وابسته به عوامل عینی و ذهنی در جنبش و البته اتفاقات و حوادث متعددی است که در هر لحظه می‌تواند بر آن تاثیر بگذارد.

بنابراین از تظاهرات اخیر که ۱۰ روز، سراسر ایران را فرا گرفت، چیزی بیش از آنچه که انجام داد، نباید انتظار داشت. این تظاهرات توده‌ای آنچه را که می‌بایستی انجام دهد، انجام داد و فرا رسیدن مرحله نوینی در رشد جنبش و اعتلای انقلابی را اعلام داشت.

بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت)

خطاب به مردم زحمتکش و مبارز ایران

اعتصاب عمومی یاری رسانید و از هم‌اکنون با ایجاد کمیته‌های اقدام و کمیته‌های اعتصاب در تدارک اعتصاب عمومی سیاسی باشید.

کارگران ایران!

رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی که ۲۴ سال، توده‌های مردم ایران و بیش از همه طبقه کارگر را تحت ستم و سرکوب قرار داد، در آستانه فروپاشی‌ست. این رژیم، هم‌اکنون به اتکا نیروی سرکوب‌اش، موجودیت‌اش را حفظ کرده‌است. تنها، نیروی پرتوان طبقه کارگر ایران قادر است، ضربه قطعی را به این رژیم وارد آورد و دستگاه ستم و سرکوب آن را درهم بشکند.

اکنون فرزندان شما مردم کارگر و زحمتکش در دانشگاه‌ها بپاخاسته‌اند. رژیم با تمام سرکوب و ددمنشی نتوانسته‌است این جنبش را از پای درآورد. سرنوشت جنبش کنونی مردم ایران، وابسته به مداخله و نقشی است که طبقه کارگر ایران در این جنبش ایفا خواهد نمود.

هیچ جنبشی در ایران نمی‌تواند به پیروزی برسد، مگر آنکه به طبقه کارگر ایران تکیه داشته باشد. چرا که تنها طبقه کارگر، این اکثریت عظیم توده‌های مردم ایران، قدرت رویارویی جدی با رژیم را دارد. تنها طبقه کارگر است که می‌تواند چرخ تولید را متوقف سازد. با اعتصاب سراسری خود منابع مالی تغذیه رژیم را قطع کند، این رژیم را به زانو در آورد و شرایط را برای یک قیام و سرنوشتی این رژیم ستمگر فراهم سازد.

مداخله طبقه کارگر به عنوان یک طبقه در این جنبش، نه فقط برای شکل‌دهی به یک جنبش هدفمند سراسری ضروری است، بلکه برای خنثی‌کردن تلاش‌های سرمایه‌داران و تمام مرتجعینی که در کمین نشسته‌اند تا بار دیگر انقلاب توده‌های مردم ایران را به شکست بکشاند، امری ضروری و حتمی است. لذا اکنون زمان آن فرا رسیده‌است که کارگران ایران برای کوبیدن مهر خود بر رهبری جنبش و نجات جنبش‌های اجتماعی متعدد مردم ایران از سرکوب و شکست، ابتکار عمل را به دست بگیرند و با ایجاد کمیته‌های اعتصاب، تشکیل کمیته‌های هم‌آهنگی اعتصاب، در تدارک یک اعتصاب عمومی سراسری برآیند.

زنان تحت ستم!

جمهوری اسلامی پس از یک ربع قرن ستمگری وحشیانه نسبت به زنان و محروم کردن نیمی از جمعیت جامعه ایران حتی از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی، به پایان دوران حیات‌ننگین‌اش رسیده‌است. هیچ جنبشی نمی‌تواند بدون مداخله فعال زنان به پیروزی برسد.

گسترش تظاهرات و اعتراضات نیازمند دخالت زنان در ابعاد توده‌ای نظیر دوران انقلاب علیه رژیم شاه است. هم‌اکنون بخش عظیمی از نیرویی که در تظاهرات شرکت دارند، زنان مبارز ایران‌اند. این زنان قهرمان و مبارز در تظاهرات‌هایی که در جریان است، حجاب اجباری را که نشانه بربریت حکومت اسلامی‌ست به دور می‌اندازند و برای برانداختن تمام ستمی که با آن رویرو هستند با رژیم ضدانسانی و زن‌ستیز جمهوری اسلامی به نبردی رویاروی برخاسته‌اند. هرچه گسترده‌تر به جنبش سرنوشتی رژیم بپیوندید و لحظه نابودی آن را تسریع کنید.

معلمان و دانش‌آموزان مبارز!

رژیم جمهوری اسلامی به عنوان پاسدار کهنه پرستی و ارتجاع و مروج خرافات عهد عتیق که دشمنی آشفتنی ناپذیری با علم و دانش و پیشرفت بشریت دارد، در طول یک ربع قرن حاکمیت‌ننگین‌اش تلاش نموده که مدارس را به مرکز ارتجاع فرهنگی تبدیل کند. اما ایستادگی معلمان و دانش‌آموزان، این تلاش‌های ارتجاعی را خنثی نمود. در این سالها معلمان زیر شدیدترین فشارهای مادی و معنوی قرار گرفتند. دانش‌آموزان از بسیاری امکانات تفریحی، فرهنگی، ورزشی و پرورشی محروم شدند. این دوران وحشتناک، اکنون به پایان خود نزدیک شده‌است. جنبش توده‌ای برای سرنوشتی رژیم در حال گسترش است. اکنون زمان آن فرا رسیده‌است که معلمان با اعتصاب عمومی خود، ضربه دیگری بر پیکر پوسیده رژیم وارد آورند و جنبش دانشجویان و توده‌های زحمتکش مردم را که از چند روز

در تظاهرات شب گذشته در تهران چند تن از تظاهرکنندگان در اثر اصابت گلوله روانه بیمارستان شده‌اند. در شیراز نیز یک دانشجو به ضرب گلوله مزدوران حکومت اسلامی به قتل رسیده‌است.

سران رژیم، یکی پس از دیگری عریده می‌کشند و تهدید می‌کنند. اینان برای مقابله با جنبشی که هر لحظه امکان دارد به یک جنبش توده‌ای سراسری تبدیل شود، علاوه بر کاربرد نیروی قهر و سرکوب، به عوام‌فریبی نیز متوسل شده‌اند و ادعا می‌کنند که این مبارزات و اعتراضات در نتیجه تحریکات آمریکا و سلطنت‌طلبان است.

این اراجیف در حالی بر زبان سران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی جاری‌ست، که جنبش اعتراضی علنی و مستقیم توده‌های مردم ایران علیه رژیم پس از سرکوب سال ۶۰، از یک دهه پیش دوباره اعتلا یافته و در بیشمار مبارزات کارگران و زحمتکشان، دانشجویان و معلمان، زنان و جوانان، تبلور یافته‌است. تنها مرتجعین می‌توانند این جنبشی را که از اعماق جامعه برخاسته و نشانه نارضایتی عمیق توده‌های مردم از وضع موجود است، نتیجه تحریکات از خارج کشور معرفی کنند. کارنامه آمریکا و سلطنت‌طلبان، سیاه‌تر از آن است که توده‌های مردم ایران، از آنها الهام بگیرند. دانشجویان و توده مردمی که در تظاهرات روزهای اخیر شرکت کرده‌اند، خوب می‌دانند که امپریالیسم آمریکا و سلطنت‌طلبان، پس از کودتای ۲۸ مرداد و حاکمیت یک ربع قرن اختناق و سرکوب رژیم شاه چه جنایاتی در ایران به بار آوردند. ۱۶ آذر، تنها یک نمونه آن است.

رژیم بیهوده می‌کوشد، جنبش خودجوش اعتراضی توده‌های مردم ایران را به عوامل خارجی نسبت دهد. این همان تاکتیک ورشکسته‌ای است که رژیم شاه نیز به آن متوسل گردید، اما شکست خورد و ناگزیر اعتراف نمود که صدای انقلاب‌تان را شنیدیم.

این جنبشی که از اعماق جامعه برخاسته و در طی چند روز و حتی چند ساعت از محدوده یک جنبش صرفاً دانشجویی فراتر رفت و به جنبشی توده‌ای تبدیل گردید، به رغم تمام سرکوب‌ها و تلاش‌های مذبحخانه رژیم به پیش خواهد رفت. دانشجویان و توده‌های مردم، اکنون با درس‌گیری از تجربیات گذشته، برای خنثی کردن اقدامات سرکوب‌گرانه رژیم، تاکتیک‌های مناسبی را به کار گرفته‌اند که به ویژه در مرحله کنونی که هنوز جنبش، ابعاد توده‌ای گسترده و سراسری به خود نگرفته‌است، از کارایی بالایی برخوردارند.

تظاهراتی که با تاریکی شب آغاز می‌گردد، از مزایای تاکتیک‌های فراوانی برخوردار است. این تظاهرات امکان می‌دهد که تعداد روزافزونی از مردم به این جنبش اعتراضی بپیوندند. حتی مردمی که هنوز مستقیماً در تظاهرات حضور ندارند، می‌توانند از طریق شعارهایی که از روی بام خانه‌ها سر می‌دهند و سنگباران نیروهای سرکوب در کوچه‌ها و خیابانها، یا از طریق به صدا در آوردن بوق ماشین‌های خود، به این جنبش و اعتلا آن یاری رسانند. این تاکتیک به استمرار و تداوم جنبش نیز کمک می‌کند و قدرت مانور نیروهای سرکوب حکومت را محدود می‌نماید. پراکندگی تظاهرات در مناطق و خیابان‌های مختلف نیز در همان حال که به گسترش جنبش یاری می‌رساند، نیروی سرکوب رژیم را پراکنده و تضعیف می‌کند. این نیز با مرحله کنونی رشد جنبش انطباق دارد. بدیهی است که با رشد جنبش، به اشکال نوین و کارآتری از مبارزه نیاز است. اعتصاب عمومی سیاسی نیاز فوری مرحله بعدی این جنبش است.

دانشجویان مبارز!

پیروزی بر رژیمی فوق‌ارتجاعی که تکیه‌گاهش یک نیروی عریض و طویل نظامی‌ست، نیازمند یک جنبش پرفردت توده‌ای است که نیروی اصلی آن طبقه کارگر ایران می‌باشد. تنها طبقه کارگر است که می‌تواند با برپایی اعتصاب عمومی سیاسی، جنبش را یک گام کیفی به جلو سوق دهد. بنابراین ضروری است که پیوند خود را با این جنبش مستحکم کنید. به برپایی

خلاصه ای از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سازمان

«تظاهرات دانشجویان کوی دانشگاه تهران» عنوان اطلاعیه‌ای است که سازمان در تاریخ ۲۰/۳/۱۳۸۲ انتشار داد. در این اطلاعیه خبر از تظاهرات دانشجویان داده شده است که با اعتراض به خصوصی سازی دانشگاه‌ها آغاز گردید و با پیوستن مردم به این تظاهرات، تبدیل به تظاهراتی سیاسی توده‌ای با شعارهای به کلی سیاسی شد.

در این اطلاعیه گفته شده است که از حوالی ساعت ۸ شب امروز، صدها تن از دانشجویان کوی دانشگاه با تجمع در خیابان امیرآباد دست به تظاهرات زدند و در مدتی کوتاه، هزاران تن از مردمی که شعار می دادند دانشجویان را حمایت می‌کنیم، به آنها پیوستند.

در این اطلاعیه، همچنین خبر از گسترش تظاهرات به برخی مناطق دیگر، درگیری میان پلیس ضد شورش و مردم، سنگر بندی و آتش زدن لاستیک در خیابان‌ها برای مقابله با نیروهای ضد شورش، داده شده است. در ۲۱ خردادماه اطلاعیه دیگری تحت عنوان «مردم خواهان آزادی بازداشت شدگان اند» انتشار یافت. این اطلاعیه می‌گوید که تظاهرات همچنان ادامه دارد و دانشجویان و توده‌های مردمی که به تظاهرات پیوسته‌اند، با شعارهای رادیکال خود علیه سران حکومت و تمام موجودیت جمهوری اسلامی، آگاهی سیاسی خود را به وضوح نشان دادند.

این اطلاعیه، اظهارات وزیر اطلاعات حکومت اسلامی را در گفتگو با خبرنگاران که این تظاهرات را به عوامل خارجی نسبت داده بود و توده‌های مردم را بی‌شرمانه اراذل و اوباش نامید، نشانه استیصال و ورشکستگی تام و تمام جمهوری اسلامی و یادآور ادعاهای سران رژیم سلطنتی در واپسین لحظات عمر آن می‌داند.

اطلاعیه سپس با اشاره به دستگیری دهها تن از تظاهر کنندگان توسط نیروهای ضد شورش و ماموران وزارت اطلاعات، ضمن محکوم کردن اقدامات سرکوبگرانه رژیم، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط دستگیر شدگان گردیده است.

«تظاهرات کارگران چیت سازی بهشهر با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی همراه شد» عنوان اطلاعیه‌ای است که در تاریخ ۲۵ خرداد ماه انتشار یافت.

این اطلاعیه با اشاره به مبارزات مستمر و پیگیر کارگران چیت سازی بهشهر در طول دو سال گذشته، می‌افزاید که کارگران روز گذشته، مجدداً در خیابان‌های شهر تظاهرات کردند. گروه کثیری از توده‌های مردم نیز به این تظاهرات پیوستند. کارگران چیت سازی بهشهر در این تظاهرات علیه سران رژیم شعار دادند و خواهان تغییر نظام در ایران شدند.

این اطلاعیه در پایان نتیجه می‌گیرد که این تظاهرات نویدبخش روی آوری توده‌های کارگر به مبارزه آشکارا سیاسی برای کوییدن مهر و نشان کارگران برج‌نشین توده‌ای است که اکنون به مرحله اعتلای نهایی خود نزدیک می‌شود.

در ۲۷ خرداد ماه، سازمان با صدور اطلاعیه‌ای بازداشت مجاهدین خلق را توسط دولت فرانسه محکوم نمود و خواهان آزادی فوری دستگیر شدگان گردید. در این اطلاعیه گفته شده است که دولت فرانسه در یک اقدام آشکارا جانبدارانه نسبت به رژیم جمهوری اسلامی، به قصد سرکوب مخالفین رژیم، دست به بازداشت گسترده اعضای سازمان مجاهدین خلق زده است و از نخستین ساعات بامداد ۱۷ ژوئن با یورش به منازل مجاهدین خلق حدود ۱۵۰ تن را دستگیر کرده است.

در پایان این اطلاعیه آمده است که سازمان فدائیان (اقلیت)، این اقدام سرکوبگرانه دولت فرانسه را که نتیجه زدوبند آشکار آن با رژیم جمهوری اسلامی علیه مخالفین این رژیم است و نقض علنی و خشن حقوق پناهندگان سیاسی محسوب می‌شود، شدیداً محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری بازداشت شدگان است.

«به یاری دستگیر شدگان بشتابیم» عنوان اعلامیه‌ای است که در تاریخ ۱/۴/۱۳۸۲، خطاب به مردم زحمتکش و ستمدیده ایران صادر شده است.

در این اعلامیه با اشاره به بازداشت صدها تن از مردمی که در جریان تظاهرات ده روز گذشته، توسط نیروهای سرکوب حکومت اسلامی به بند کشیده شده‌اند، گفته شده است، سران حکومت و ارگان‌های سرکوب نظامی و امنیتی آن، در تلاش‌اند به منظور مرعوب کردن مردم و مقابله با

از صفحه ۱

بیش ابعاد تعرضی به خود گرفته است، تقویت کنند. دانش‌آموزان مبارز نیز که هم اکنون نیز بخشا در این جنبش حضور دارند، با سازماندهی تظاهرات در هر محله و منطقه‌ای قادرند، تظاهرات را به تمام شهرهای ایران گسترش دهند.

مردم مبارز ایران!

هنگام آن فرا رسیده است که در سراسر ایران به نبردی نهایی برای سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برخیزیم. تظاهرات گام نخستین است. اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه کار رژیم را یکسره خواهد کرد. با ایجاد کمیته‌های اعتصاب در محل کار و کمیته‌های اقدام در محلات، در تدارک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه باشید.

مردم زحمتکش و تحت ستم ایران!

از هم اکنون بیاد داشته باشیم که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، به تنهایی برای تحقق مطالبات مان کافی نیست. از تجربیات گذشته خود بیاموزیم و اجازه ندهیم که یک بار دیگر ماجرای فاجعه‌بار به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی تکرار شود. برای این که مبارزات ما مردم زحمتکش و تحت ستم به نتیجه قطعی برسد، نباید اجازه دهیم که بار دیگر با سرنگونی رژیم، مرتجعین با وعده و وعید، قدرت را از چنگ ما درآورند.

برای این که بتوانیم قدرت را به دست آوریم و بر سرنوشت خویش حاکم گردیم، نباید به چیزی کمتر از استقرار یک حکومت شورایی در ایران رضایت دهیم. چرا که تنها از طریق حکومت شورایی است که می‌توانیم اعمال حاکمیت کنیم و به مطالبات و خواسته‌هایمان جامه عمل پوشیم.

پیروز باد مبارزات توده‌های مردم ایران

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

برقرار باد حکومت شورایی

سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۳۸۲ / ۳ / ۲۴

کار - نان - آزادی - حکومت شورایی

رشد اعتراضات و مبارزات توده‌ای، اقدامات وحشیانه خود را علیه مردم ایران تشدید کنند و صدها تن از مردمی را که در دهها شهر ایران دستگیر شده‌اند به محاکمه بکشند و به مجازات‌های سنگینی محکوم کنند.

سپس خطاب به مردم زحمتکش و مبارز ایران، اقدام فوری برای نجات دستگیر شدگان، وظیفه‌ای می‌رم اعلام شده و از همگان خواسته شده است با تشدید مبارزه و اعتراض و حمایت و پشتیبانی از خانواده‌های بازداشت شدگان، به یاری بازداشت شدگان بشتابند.

تشکیلات خارج کشور سازمان، در تاریخ ۱۹ ژوئن ۲۰۰۳ اطلاعیه‌ای با عنوان «جان رفیق مهدی انصاری در خطر است» انتشار داد. در این اطلاعیه گفته شده است که مهدی انصاری، یکی از هواداران سازمان که در سال ۱۹۸۳ توسط رژیم جمهوری اسلامی دستگیر و زندانی شد، پس از آزادی از زندان به ژاپن رفت و تقاضای پناهندگی نمود. دولت ژاپن در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۲ تقاضای پناهندگی وی را پس از چهار سال رد کرد و وی را روانه زندان نمود.

اطلاعیه می‌افزاید، دولت ژاپن قصد دارد مهدی انصاری را به جمهوری اسلامی تحویل دهد، لذا وی از روز ۱۰ می ۲۰۰۳ در اعتصاب غذا به سر می‌برد.

در پایان، تشکیلات خارج کشور سازمان با اعتراض به رفتار دولت ژاپن، از سازمان‌ها و افراد مدافع حقوق پناهندگان خواسته است که با ارسال فاکس و ای میل، برای نجات جان مهدی انصاری تلاش کنند.

فشرده اخبار و گزارش

اعتراضات دانشجویی و تظاهرات خیابانی

علم و صنعت، خواجه نصیر، تربیت معلم، صنعتی امیر کبیر و دانشگاه تهران فعالان مشارکت داشتند. گرچه کانون مهم آغاز و تداوم مبارزه، کوی دانشگاه تهران و خیابان های اطراف آن بود، اما این اعتراضات در ادامه خود به دیگر مناطق و خیابان های تهران از جمله میدان نارمک، پارک لاله، میدان محسنی، میدان صادقیه، جردن، میدان گلها، چهار راه امیرآباد، محدوده گلبرگ و فلکه اول تهران پارس، میدان فاطمی، منطقه ولنجک و بزرگ راه نزدیک آن، اتوبان کردستان، بزرگ راه جلال آل احمد، خیابان ستارخان و مناطق دیگری نیز تسری یافت و همه جا حمایت و پیوستن سایر اقشار مردم زمینکش را در پی داشت. در جریان این اعتراضات و تظاهرات توده ای هزاران نفره که با پیشروی و عقب نشینی هایی همراه بود، علاوه بر شعارهایی که برای جذب مردم به تظاهرات داده می شد مثل شعار ایران شده فلسطین- مردم چرانشتین و یادانشجو به پا خیز- برادرت کشته شد، شعارهای زیادی علیه حکومت، علیه خامنه ای، علیه خاتمی و دیگر سران رژیم نیز داده شد. طالبان حیا کن- حکومت را رها کن، ملا عمر زنده باد- خامنه ای پاینده باد، ای دیکتاتور بیونشه- ایران شیلی نمیشه، دیکتاتور- کارت تمومه، رهبر بروگمشو، خاتمی استعفا، استعفا، مزدور برو گمشو، حکومت زور نمی خوام- پلیس مزدور نمی خوام از جمله این شعارها بود. یکی از شعارهای اصلی در اکثر تظاهرات ها، شعار 'زندانی سیاسی آزاد باید گردد' بود. علاوه بر آن، شعارهایی که عزم و اراده اعتراض کنندگان به ادامه مبارزه را بیان می کرد، مانند توپ تانک بسیجی- دیگرانترندارد و می کشم می کشم آنکه برادرم کشت، و نیز شعارهایی در مورد آزادیهای سیاسی و مغایرت این آزادیها با موجودیت حکومت اسلامی مثل 'آزادی، آزادی، آزادی سیاسی' و 'آزادی اندیشه - با ریش و پشم نمیشه' از جمله شعارهای اعتراض کنندگان تهران بود.

اعتراضات و تظاهرات دانشجویان که در تاریکی شب آغاز می شد و نزدیک صبح فروکش می کرد، وسیعاً مورد حمایت سایر اقشار مردم قرار می گرفت. بسیاری از جوانان و سایر اقشار مردم، به صف اعتراض کنندگان پیوستند، عده ای از مردم همراهی و حمایت خود را به اشکال دیگری نشان دادند. برای نمونه عده ای از مردم از پشت بامها به شعار دادن و هو کردن نیروهای سرکوب پرداختند و یا با پرتاب سنگ و مواد آتش زا، با این نیروها به مقابله پرداختند. عده دیگری با روشن کردن چراغ اتومبیل ها و بوق زدن، تظاهر کنندگان را مورد تشویق قرار داده و با آنان ابراز همبستگی نمودند. تظاهر کنندگان نیز با آتش زدن لاستیک و مسدود ساختن خیابان ها و پرتاب سنگ و آجر به مقابله با نیروهای سرکوب پرداختند و در یک مورد با روشن کردن آتش و حمل کپسول گاز و تهدید به انفجار آن، سرکوبگران را عقب راندند. در موارد دیگری نیز به سرود خوانی و پایکوبی به دور آتش پرداختند و برخی از زنان و دختران شرکت کننده در تظاهرات نیز روسری های خود را به نشانه اعتراض به حجاب اجباری به داخل آتش افکندند. از دیگر وقایع کم سابقه تظاهرات توده ای اخیر،

دستگیری چند عنصر موسوم به لباس شخصی مجهز به بی سیم و گاز اشک آور و افشاء این مزدوران بود. اعتراض کنندگان، در جریان این تظاهرات ها، در سطح بسیار وسیعی روی دیوارها شعار نویسی کردند. علاوه بر آن، خساراتی به بانکها و تاسیسات دولتی نیز وارد ساخته و چند دستگاه موتور سیکلت و وسیله نقلیه متعلق به نیروهای سرکوب را به آتش کشیدند. رئیس مرکز اطلاع رسانی نیروهای انتظامی در این رابطه گفت ۳۴ دستگاه موتور سیکلت، ۲۲ دستگاه خودرو، ۵ بانک خسارت دیده اند و ۲۲ پلیس در اثر پرتاب سنگ مجروح شده اند.

به هر رو چیزی که روشن است این است که اعتراضات دانشجویی و تظاهرات خیابانی که چند روز ادامه داشت، انعکاس بسیار وسیعی هم در سطح ایران و هم در سطح جهان برجای گذاشت و رژیم پوسیده جمهوری اسلامی را شدیداً به وحشت انداخت. جمهوری اسلامی برای مهار و سرکوب این اعتراضات، انواع نیروهای سرکوب خود را به میدان آورد و از هر وسیله ای استفاده کرد. به میان تظاهر کنندگان گاز اشک آور و نارنجک صوتی پرتاب کرد، باکارد و قمه، زنجیر و باتوم به مردم حمله کرد و به ضرب و شتم آنان پرداخت، برای قطع ارتباط ها، تلفن های موبیل را از کار انداخت، به روی مردم گلوله های پلاستیکی شلیک کرد، مردمی را که به تظاهر کنندگان کمک کرده بودند به انحاء مختلف تحت فشار قرارداد، علاوه بر تیراندازی ها و رگبارهای هوایی، در برخی مناطق به روی مردم آتش گشود و با بی رحمی به قلع و قمع اعتراض کنندگان پرداخت. نیروهای انتظامی، سپاه پاسداران، گارد ویژه ضد شورش، نیروهای بسیجی، موتور سواران حزب الهی، لباس شخصی ها و سایر عناصر امنیتی و نوجه های خامنه ای، دانشجویان را تادرون خوابگاهها تعقیب کردند. خوابگاه دانشگاه بهشتی، علامه، همت، چمران و کوی دانشگاه تهران، مغول وار مورد هجوم و ایلغار قرار گرفت. در و دیوار اتاق ها را تخریب کردند. میز، تخت، قفسه کتاب و لوازم شخصی دانشجویان را تخریب و نابود کردند و در مواردی هم دزدیدند. در صدها نقطه تهران گشت های بازرسی دایر کردند. صدها تن بازداشت و روانه زندان شده اند، صدها تن زخمی و مجروح شده و دهها نفر دیگر ربوده و یا ناپدید شده اند. حتا به مجروحین نیز رحم نکرده و آنها را از بیمارستان ها ربوده و به زندان افکندند. روشن است که سرکوب بیشتر وی رحمانه تر در دستور کار رژیم است. این موضوع آشکارا در سخنان یزدی، عضو شورای نگهبان، رئیس سابق قوه قضائیه و یار دیرین خامنه ای در نماز جمعه تهران (۳۰ خرداد) نیز انعکاس یافت. نام برده که از اعتراض کنندگان با عنوان "اعتشاش گر" یاد نمود، آنان را "محارب" خواند و از قوه قضائیه خواست که در برابر آنان هرگونه ملاحظه ای را کنار بگذارد. وی سخن خامنه ای را نیز نقل کرد که باید با "اعتشاش گران" به "بی رحمانه ترین شکل" برخورد شود.

گرچه اعتراضات و تظاهرات توده ای در شکل ده روز اول، در لحظه حاضر فروکش کرده است،

اما این اعتراضات در اشکال دیگری ادامه دارد. هم اکنون در اکثر دانشگاهها در تهران، دانشجویان دست به اعتصاب و تحصن زده اند و در مرحله نخست خواستار آزادی فوری دستگیر شدگانند. علاوه بر آن صدها تن از اعضای خانواده های دستگیر شدگان اخیر تهران، چندین روز پیاپی است که در برابر زندان اوین، در برابر ساختمان مرکزی دانشگاه تهران و نیز در مسجد دانشگاه، دست به تجمع و تحصن زده و خواستار آزادی دستگیر شدگانند.

اصفهان- روز بیست و یکم خرداد، کوی دانشگاه اصفهان نیز شاهد تجمعات اعتراضی دانش جویان بود. در حالی که انصار حزب الله و سایر نیروهای سرکوب با حضور در برابر در دانشگاه می خواستند از سرازیر شدن دانش جویان به خیابان ها جلوگیری کنند، دانش جویان شعارهایی علیه رژیم و سران آن سر دادند و به خیابان ها آمدند. از سوی دیگر هزاران نفر از مردم و دانشجویان در اعتراض به وضعیت موجود، در خیابان های شهر دست به تظاهرات زدند که در اطراف دروازه شیراز کار به درگیری با نیرو های سرکوب کشیده شد. این اعتراضات علیرغم سرکوب و دستگیری های وسیع، روز های بعد نیز ادامه یافت.

روزهای ۲۴ و ۲۵ خرداد، دانشجویان در ضلع غربی دانشگاه اصفهان دست به تجمع زدند. دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان نیز دست به تجمع اعتراضی زدند. مرگ برانصار، مرگ بردیکتاتور، ای ملت بت شکن، بت بزرگ را بشکن، شعارهایی بود که اعتراض کنندگان تکرار می کردند. تظاهرات توده ای و درگیری با نیروهای سرکوب، علاوه بر دروازه شیراز، به نقاط دیگر شهر، از جمله شاهین شهر، چهارراه تختی، چهارراه شکر شکن و غیره نیز سرایت کرد. در وسط خیابان ها لاستیک های آتش زده شعله ور بود. چند دستگاه موتور سیکلت متعلق به نیروهای سرکوب به آتش کشیده شد و چند موسسه دولتی نیز مورد حمله مردم قرار گرفت. سرانجام با تهاجم وحشیانه نیروهای سرکوب، ضرب و شتم مردم و دستگیری های وسیع، از هرگونه تردد در خیابان ها ممانعت به عمل آمد و دانشجویان به داخل دانشگاه رفتند. به دنبال آن نیروهای انصار حزب الله، خوابگاه دانشگاه صنعتی را آتش زدند. دانش جویان در برابر دفتر دانشگاه دست به تجمع زده و خواستار امنیت خود شده اند. این در حالیست که دانشجویان متحصن در دانشگاه هنر اصفهان نیز به رغم آن که مورد حمله قرار گرفته اند، همچنان به اعتصاب خود ادامه می دهند. بیش از ۳۰۰ نفر دستگیر شده اند.

دیزچه- پنجشنبه شب (۲۲ خرداد) مردم دیزچه (یکی از شهرهای مبارکه اصفهان) نیز دست به تظاهرات زدند و با نیروهای بسیجی به زد و خورد پرداختند. این تظاهرات روز بعد نیز ادامه یافت. نیرو های سرکوب به روی مردم آتش گشودند. یک جوان ۲۲ ساله کشته شد و چند تن دیگر زخمی شدند. در ادامه تهاجم نیروهای سرکوب و خانه گردی شبانه، شمار دیگری از ساکنین این شهر مورد تهاجم و ضرب و شتم قرار گرفته و دستگیر شدند.

ارومیه- روز ۲۸ خرداد، صدها تن از دانش جویان دانشگاه ارومیه، در برابر دانشکده کشاورزی دانشگاه ارومیه واقع در مجتمع

اعتراضات دانشجویی و تظاهرات خیابانی

پردیس نازلو دست به تجمع زدند و ضمن سر دادن شعارهایی علیه حکومت، به قصد انجام تظاهرات در خیابان های شهر، به سمت در خروجی دانشگاه حرکت کردند اما حراست دانشگاه فوراً اقدام به بستن درهای خروجی و تعطیل دانشگاه نمود.

تبریز- تجمعات اعتراضی دانشجویان تبریز از شب یکشنبه ۲۵ خرداد از خوابگاه های ولی عصر و شهرک امام و نیز خوابگاه دختران دانشجو آغاز گردید. این تجمع اعتراضی روز بعد به داخل دانشگاه تبریز کشیده شد. مرگ بر استبداد، مرگ بر دیکتاتور، خاتمی استعفا، استعفا، از جمله شعارهای دانش - جویان بود. در حالی که نیرو های سرکوب مانع خروج دانشجویان از دانشگاه شده بودند، شمار کثیری از جوانان و سایر اقشار مردم، به حمایت از دانشجویان در خیابان های اطراف دانشگاه پرداختند. نیروهای امنیتی - نظامی، جهت کنترل اوضاع، برخی خیابانها را مسدود کرده و مانع عبور و مرور شدند. روز بعد خوابگاههای دانشجویان مورد حمله وحشیانه نیروهای سرکوب قرار گرفت، ۱۳۵ نفر از دانشجویان بازداشت شدند. دانش - جویان و سایر اقشار مردم معترض، تجمعات و تظاهرات خود را به خیابان های اطراف خوابگاه و نیز به میدان دانشگاه و چهار راه آب رسان، کشاندند.

رفسنجان - دانشجویان دانشگاه رفسنجان نیز دو روز متوالی دست به اعتراض زدند و با تجمع در میدان طالقانی، شعارهایی علیه حکومت اسلامی سر دادند. در اثر حمله نیرو - های سرکوب شماری از اعتراض کنندگان مجروح و دستگیر شدند.

شیراز - دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه شیراز نیز با برپایی تجمع اعتراضی، از سایر دانشجویان خواستند که به آنها ملحق شوند. در عین حال روز ۲۴ خرداد شمار زیادی از دانشجویان همراه با سایر اقشار مردم در بلوار چمران شیراز دست به تجمع اعتراضی زدند. این اعتراضات چند روز ادامه داشت. " مرگ بر جنایت کار " یکی از شعارهای اعتراض کنندگان بود. در اثر حمله وحشیانه نیروهای سرکوب، یک نفر کشته شد و شمار زیادی نیز بازداشت شده اند.

کرمانشاه - در شهر کرمانشاه نیز دانشجویان علوم پزشکی و نیز دانشجویان رازی کرمانشاه در روز ۲۷ خرداد در محوطه خوابگاه دست به تجمع های اعتراضی زدند. بسیاری از جوانان و سایر اقشار مردم در حمایت از دانشجویان در خیابان های اطراف خوابگاه جمع شدند. تجمعات دیگری نیز در برخی از مناطق شهر از جمله پارکینگ شهرداری ایجاد گردید. این تجمعات چندین ساعت طول کشید و میان دانشجویان و نیروهای سرکوب، سنگ پرانی و درگیری هایی نیز ایجاد شد.

کرمان - در حمایت از تظاهرات و اعتراضات دانشجویان و سایر اقشار مردم در تهران، دانشجویان کرمان نیز چند روز متوالی در

میدان کوثر دست به اجتماع و تظاهرات زدند. سایر اقشار مردم نیز در این تظاهرات شرکت کردند، به نحوی که روز دوم تظاهرات، شمار اعتراض کنندگان به بیش از هفت هزار نفر رسید. نیرو های سرکوب به صف اعتراض کنندگان حمله بردند و به میان آنها گاز اشک آور پرتاب کردند. اعتراض کنندگان ضمن بر افروختن آتش، دست به مقاومت زدند. آخرین خبرها حاکی است که در اعتراض به حمله به دانشجویان و دستگیری های اخیر، در آخرین روز خرداد نیز صدها تن از دانشجویان مجدداً دست به تظاهرات زده اند و ضمن سردادن شعارهایی علیه رژیم، خواستار آزادی فوری نگیرندگان و آزادی زندانیان سیاسی شده اند. دس

کرج - کرج و شهرک های اطراف آن نیز چند روز متوالی شاهد تظاهرات و اعتراضات خیابانی بود. این تظاهرات، در اکثر موارد به درگیری بانیهوهای سرکوب و سنگ پرانی به سوی آنها انجامید. نیروهای سرکوب با پرتاب گاز اشک آور، به صفوف تظاهر کنندگان حمله کردند، شمار زیادی مجروح و به بیمارستان - ه منتقل شدند. در جریان این اجتماعات اعتراضی، برخی بانکها و تاسیسات دولتی مورد تعرض اعتراض کنندگان قرار گرفت. در رباط کریم، گوهر دست، فردیس، حصارک و گلشهر کرج صدها تن دستگیر شدند. علی رغم این، دانشجویان دانشگاه حصارک در سومین شب اعتراض، تجمع اعتراضی دیگری در محوطه دانشگاه برگزار نمودند. خانواده های دستگیر شدگان چندین بار در برابر زندان گوهر دست دست به تحصن زده و خواستار آزادی فوری دستگیرشدگان شدند.

مشهد - نزدیک به دوهزار نفر از دانشجویان و سایر اقشار مردم زحمتکش مشهد، از ساعت ۹ شب یکشنبه ۲۵ خرداد، در خیابان احمد آباد، راهنمایی و برخی دیگر از خیابانهای این شهر، دست به تظاهرات و تجمع اعتراضی زدند. این تجمعات اعتراضی که تا پاسی گذشته از نیمه شب ادامه داشت در روزهای بعد نیز تکرار شد. یگان های ویژه موتورسوار، بسیج و حزب الله و لباس شخصی ها که به صورت گروهی حرکت می کردند، با سردادن شعار الله اکبر و با استفاده از اسپری بی حس کننده، به صف اعتراض کنندگان حمله کردند. بیش از ۸۰ نفر از اعتراض کنندگان بازداشت شدند. دانشجویان دانشگاه فردوسی، دانشگاه سجاد مشهد و موسسه آموزش عالی مشهد، در اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه دست به تحصن زدند و با برگزاری تجمعات اعتراضی، خواستار آزادی فوری دستگیرشدگان شدند.

همدان - شهر همدان نیز مثل سایر شهرهای ایران شاهد اعتراضات و تظاهرات توده ای بود. شب های ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ خرداد، دانش - جویان دانشگاه بوعلی دست به تظاهرات زدند و شعارهایی علیه رژیم و سران آن سر دادند. اجتماع اعتراضی دانشجویان، با حمایت سایر اقشار مردم در بیرون از دانشگاه و تکرار همان شعارها از زبان آنها روبرو گردید. سرانجام نیرو های ویژه سرکوب به طرز وحشیانه ای به خوابگاه دانشجویان حمله کردند. گفته می شود که در جریان این تهاجم بربرمنشانه، سه نفر کشته، دهها نفر زخمی

و دهها تن دیگر بازداشت شده اند. روزهای بعد، دانشگاه تعطیل اعلام گردید و نیروهای انتظامی دانشگاه را به اشغال خود درآوردند.

یزد - صدها تن از دانشجویان و سایر اقشار مردم، روز سه شنبه ۲۷ خرداد با اجتماع در فلکه اطلسی یزد واقع در منطقه صفاییه، دست به تظاهرات زدند. نیروهای سرکوب، اعتراض کنندگان را محاصره کردند. اعتراض کنندگان، ضمن سردادن شعارهایی علیه رژیم و شعار " زندانی سیاسی آزاد باید گردد "، با سر دادن شعار های دیگری، خواستار پیوستن سایر مردم به صف اعتراض کنندگان شدند. اجتماعات اعتراضی مردم یزد، در روزهای بعد گسترده تر شد. پنجشنبه شب و جمعه شب، در محله سید گل سرخ، چاه ملکی و فهادان، درگیری های سختی بین انصار حزب الله و مردم به وجود آمد. تمام دیوارهای این منطقه پر از شعارهایی علیه رژیم و سران آن بود. اعتراض کنندگان در برابر یورش های وحشیانه نیروهای انتظامی و پرتاب گاز اشک آور، دست به مقاومت زده و به طرف آنها سنگ و آجر و همچنین کوکتل مولوتف پرتاب کردند و در ادامه خساراتی نیز به تاسیسات دولتی وارد کردند.

- در بسیاری از شهرهای دیگر نیز اعتراضات مشابهی صورت گرفت. در رشت علاوه بر تجمع اعتراضی دانشجویان خوابگاه میزار کوچک خان، جوانان و سایر اقشار مردم دست به تظاهرات و تجمعات اعتراضی زدند. در سبزه میدان عکس - های رهبران حکومت را پاره کردند. نیروهای سرکوب در این محل و نیز در چهار راه میکائیل، وحشیانه به مردم حمله کردند. در شهر زنجان نیز دانشجویان به حمایت از دانشجویان در سایر شهرها برخاسته و در محل خوابگاه دست به تجمع اعتراضی زدند، در سبزوار دانش - جویان در فرمانداری شهر تحصن کردند، در اهواز منطقه کیان پارس، تظاهراتی در حمایت از دانشجویان برگزار گردید. انصار حزب الله به صف تظاهر کنندگان حمله کرد پلیس ضد شورش نیز آنها را حمایت کرد و چند نفر مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بازداشت شدند. در شاهرود نیز دانشجویان دانشگاه، روز ۲۵ خرداد در خیابان ۲۲ بهمن دست به تجمع و راه - پیمایی زدند. این دانشجویان از جمله خواستار آزادی زندانیان سیاسی شدند. در عین حال عده ای دیگر از دانشجویان در برابر زندان این شهردست به تحصن زدند. در قم نیز جمع زیادی از جوانان این شهر، در میدان میثم سالاریه قم دست به تجمع اعتراضی زدند و شعارهایی علیه رژیم سر دادند. نیرو های انتظامی از ترس گسترش اعتراضات، سریعاً زخود و اکنش نشان داده و با حمله وحشیانه، جوانان را متفرق ساختند. در سنج، نیز دانشجویان دانشگاه تربیت معلم روز چهارشنبه ۲۸ خرداد، در حمایت از مطالبات سراسری دانشجویان دست به تظاهرات زدند. نیرو های سرکوب بلافاصله دانشگاه را محاصره کرده و در خیابان های اطراف آن مستقر شدند و در جریان تهاجم این نیروها، دانشجویان دست به مقاومت زدند. جمع زیادی از مردم برای پیوستن به دانشجویان به سمت دانشگاه راه افتادند، اما نیروهای سرکوب، از این مسئله ممانعت به عمل آوردند.

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۲۹)

رقابت شدیدی بابورژوا فمینیست‌ها یافتند. به دلیل وجود مشکلات عظیم بر سر راه سازماندهی زنان و بالنتیجه ضعف حاصل از آن، زنان در مقایسه با مردان، بیشتر تحت تاثیر سازمان‌های بورژوازی نظیر سازمان‌های زنان بورژوا بودند تا مثلاً مردان تحت تاثیر حزب لیبرال کادت، که نفوذش بسیار محدود بود.

بورژوا فمینیست‌ها، برای جذب زنان کارگر تلاش نمودند و در آغاز موفق نیز بودند. در سال ۱۹۰۵ آنها کلوب سیاسی زنان را با هدف جذب زنان کارگر در سن پترزبورگ ایجاد نمودند. این کلوب‌ها توانستند بیش از ۲ ماه دوام آورند تا آن که سرانجام توسط پلیس تعطیل شدند. (کولنتای - Sotsialnie Osnovy - صفحه ۲۳ و ۲۴) در هر حال بسیاری از زنان کارگر در برابر فعالین و سازماندهندگان سوسیال دمکرات مقاومت می‌کردند. به عنوان نمونه یک گروه از کارخانه Andreev در مسکو از شعبه محلی "اتحادیه حقوق برابر زنان" خواست که تعدادی مبلغ فمینیست به این کارخانه بفرستند چراکه سوسیال دمکرات‌ها بسیار جدی مشغول فعالیت بودند. بعضی اوقات، سازماندهان حزب سوسیال دمکرات با فمینیست‌ها همکاری می‌کردند. در یک مورد، یک عضو مرد سوسیال دمکرات که زنان کارگر را سازماندهی می‌کرد، از ادبیات فمینیستی استفاده کرد و از کمک و مشاوره "اتحادیه حقوق برابر زنان" بهره جست. زنان کارگر در جلسات فمینیست‌ها شرکت می‌نمودند و سخنرانان "اتحادیه حقوق برابر زنان" را به کارخانه‌هایشان دعوت می‌کردند. (کولنتای - اتوبیوگرافی - انقلاب پرولتری - صفحات ۲۷۰-۲۶۸) با این همه، با همان سرعتی که گروه‌های سازماندهی شده توسط بورژوا فمینیست‌ها رشد کرده بودند، از هم نیز پاشیدند. یک دلیل آن شکافی بود که زنان بورژوا و خرده بورژوا را از زنان کارگر جدا می‌ساخت. مورد خدمتکاران، یک نمونه جالب است. "اتحادیه حقوق برابر زنان" به تشکیل اتحادیه خدمتکاران در مسکو و چند شهر دیگر یاری رساندند. S. K. Lspolateva یکی از اعضای دفتر مرکزی اتحادیه گزارش داد که آشپز وی نیز عضو اتحادیه است و جلسات خدمتکاران، معمولاً در آشپزخانه وی برگزار می‌شوند. او خود این جلسات را اداره می‌کرد. هنگامی که جلسات وسیع‌تر شدند، این جلسات به پلکان درب ورودی مخصوص خدمتکاران منتقل شدند و همواره در محل زندگی خدمتکاران برگزار می‌شدند. (Rothchild - گولد برگ - ص ۱۰۸)

کولنتای در این مورد چنین اظهار نظر کرد: "آنها تلاش می‌کردند، اتحادی شاعرانه و آمیخته از خانم‌های کارفرما و خدمتکاران خانگی ایجاد نمایند. آنها می‌کوشیدند،

مستخدمین را زیر نظر بانوهایشان سازمان دهی کنند." (کولنتای - Sotsialnie Osnovy - صفحات ۱۰۶-۱۰۲)

در "خارکف" شعبه محلی "اتحادیه حقوق برابر زنان" کمیته ویژه‌ای را جهت بررسی وضعیت خدمتکاران خانگی سازماندهی کرد. سوسیال دمکرات‌ها، از اجلاس‌های مستخدمین خواستند که بر غیر قابل پذیرش بودن پروژه‌ای که با مشارکت و تحت رهبری کارفرمایانشان، انجام می‌گیرد، تاکید کنند. در جریان این جلسات، خدمتکاران پیشنهادات خاص خود را از جمله حداقل دستمزد، ساعات کار استاندارد روزانه و یک روز مرخصی در هفته مطرح نمودند. اکثریت خدمتکاران از این پروژه استقبال کردند. به گفته کولنتای، اکثریت فمینیست‌ها از این رویداد ناراحت و سرخورده شدند. آنها به این نتیجه رسیدند که تلاش‌هایشان برای سازماندهی زنان کارگر به شکست انجامیده است، لذا خط مشی خود را تغییر دادند. اعضای "اتحادیه حقوق برابر زنان" تصمیم گرفتند که فعالیت‌ها - یشان را در میان زنان کارگر، به تبلیغات عمومی نظیر مدارس یکشنبه، کلاس‌های کارگری در برخی کارخانه‌ها، کاردر کافه تریاها و آشپزخانه‌ها و جمع آوری امضاء برای کارزارهای جلب حمایت محدود کنند. (گولد برگ - ص ۱۰۷)

زنان سوسیال دمکرات در جلساتی که "اتحادیه حقوق برابر زنان" برای زنان کارگر برپا می‌کرد، حضور داشتند اما برخورد آنها به این اتحادیه متفاوت بود. "زنان سوسیا - یست‌های انقلابی" (اس-ارها) و منشویک، بر ضرورت ایجاد ائتلاف وسیع شامل سوسیالیست‌ها و زنان لیبرال تاکید داشتند. (کولنتای - اتوبیوگرافی - صفحات ۷۰-۲۶۱) بلشویک‌ها با این نظر مخالف بودند. کولنتای که در سال ۱۸۹۶ به مارکسیست‌ها پیوسته بود، تا زمستان ۱۹۰۵، کار سازمان یافته‌ای در میان زنان کارگر انجام نداد. او گرچه هنوز به بلشویک‌ها نپیوسته بود، اما یکی از سرشناس‌ترین مخالفین هرگونه ائتلاف بود.

کولنتای، خواهان رعایت دقیق مشی طبقاتی، سازماندهی زنان طبقه کارگر در اتحادیه‌ها و جنبش سوسیال دمکرات و مخالف کامل با فمینیست‌ها بود. او همواره به واژه "فمینیسم" به شکلی تحقیرآمیز اشاره می‌کرد و فمینیسم را "مبارزه زنان بورژوا برای متحد شدن و اتکاء به یک دیگر به قصد تودهنی زدن به دشمن مشترک یعنی مردان" تعریف می‌کرد. (Rothchild - گولد برگ - ص ۹۹)

در طی سال ۱۹۰۵، وی در بسیاری از جلسات فمینیست‌ها شرکت کرد، رهبران آنها را مورد حمله و سرزنش قرار داد و زنان کارگر را به جدایی از آنها فراخواند. او برخورد ظریفی نداشت. عباراتی همچون "هوچی گری" یا

"شما بازیچه باند‌های سیاه هستی" یا "خفه شوید" هم از سرتان زیاد است" درگفته‌های او چندان غیر معمول نبود. (اتوبیوگرافی کولنتای - صفحات ۸-۲۶۷)

زنان بلشویک و منشویک علی‌رغم مخالفت برخی از سوسیالیست‌های سرشناس نظیر Vera Zasulich تلاش نمودند که باشگاه‌هایی برای زنان کارگر ایجاد کنند. اولین تلاش کولنتای که مورد تأیید کمیته پترزبورگ حزب قرار گرفت، فاجعه بار بود. حزب وعده داده بود که محلی برای اجلاس تدارک ببیند، اما وقتی که کولنتای و چند کارگر دیگر به محل رسیدند باتابولویی مواجه شدند که روی آن نوشته شده بود: "جلسه‌ای که فقط برای زنان بود، کنسل شده است. فردا جلسه‌ای فقط برای مردان" برگزار خواهد شد. (همان جا - ص ۲۷۲)

در حقیقت نتایج ایجاد باشگاه‌هایی برای زنان کارگر بسیار محدود بودند. اولین کلوب زنان کارگر که از طرف سوسیالیست‌ها تأمین مالی شده بود، به نام انجمن "کمک‌های متقابل زنان کارگر" در پائیز ۱۹۰۷ در سن پترزبورگ گشایش یافت. این انجمن، قانونی بود و سازمان دهندگان آن از جمله کولنتای و گروهی از زنان کارگر بودند. فعالیت‌های آن شامل سخنرانی و یک کتاب خانه بود. این کتاب خانه هر شب باز بود و بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ عضو داشت (که دو سوم آن زن و مابقی مرد بودند) این انجمن، آگاهانه خود را وابسته به جناح‌های حزبی نمی‌دانست. هر دو جناح بلشویک و منشویک در آن شرکت می‌کردند و در امور آن مشارکت داشتند. در بهار ۱۹۰۸ درگیری جناح‌ها، کلوب را دو شقه کرد، یکی از گروه‌های جنجال برانگیز خواهان اخراج تمام روشنفکران شد. کولنتای به عنوان یکی از روشنفکران کنار زده شد. در حالی که تا پایان سال ۱۹۰۸، کلیه کلوب‌های زنان در سن پترزبورگ منحل شده بودند، ۱۵ کلوب کارگری که مردان و زنان عضو آنها بودند، به حیات خود ادامه می‌دادند. آنها ۶۰۰۰ عضو داشتند که حدود یک پنجم آن زن بودند. این زنان، اکثر جوان (تقریباً دو سوم زیر ۲۵ سال بودند) و با سواد بودند. اطلاعاتی که در مورد دو کلوب برجای مانده، حاکی است که در یکی از این دو کلوب، ۹۶/۶ درصد زنان با سواد بودند و در دیگری میزان سواد در میان زنان ۹۹/۵ درصد بود. (کلوب کارگران در سن پترزبورگ ۱۹۱۴-۱۹۰۷ - صفحات ۱۱۱-۸۸)

* اولین کنگره زنان روسیه موضوع بعدی از این کتاب می‌باشد.

کمک مالی رسیده

سوئیس

۵۰ فرانک

سهراب - س



پاسخ به سئوالات

یکی از رفقای هوادار سازمان در سوئیس، با ارسال یک نامه به تحریریه سازمان و نقل جملاتی از 'نشریه کار'، سئوالی را مطرح نموده و خواهان توضیح شده‌است. این رفیق نوشته‌است:

"در قسمتی از مقاله تحت عنوان 'امپریالیسم آمریکا و جمهوری اسلامی' از نشریه شماره ۴۰۴ نیمه اول اردیبهشت ماه به این گونه آمده‌است که: بی‌طرفی فعال در واقع معنایی جز حمایت در عمل از تجاوز نظامی بلوک امپریالیستی به عراق نداشت. معلوم بود که امپریالیست‌های آمریکایی-انگلیسی بی‌طرفی جمهوری اسلامی را رایگان به دست‌نیآورده بودند. حمله نیروهای متجاوز آمریکایی در اواخر فروردین، به برخی از پایگاه‌های مجاهدین خلق در عراق نشان داد که امپریا - لیست‌ها در پی زد و بند هایشان با جمهوری اسلامی، هزینه "بی‌طرفی" آن را می‌پردازند.

در شماره بعدی نشریه کاریعی "۴۰۵" نیمه دوم اردیبهشت ماه در قسمتی از مقاله "مسابقه برای جلب حمایت امپریالیسم آمریکا" آمده‌است که: این واقعیت در جریان بمباران‌های شدید آمریکاد عراق نیز نشان داده شد که مقرهای مجاهدین مورد بمباران نیروهای نظامی آمریکا قرار نگرفت. دولت آمریکا حتما قصد خلع سلاح مجاهدین را نیز نداشت بلکه زیر فشار متحد خود، دولت انگلیس و قرار و مدارهای آن با جمهوری اسلامی، سرانجام آنها را خلع سلاح کرد. اکنون مقامات سیاسی و نظامی آمریکا زمزمه‌های آن را آغاز نموده‌اند که نام مجاهدین را از لیست گروه‌های تروریست خود حذف کنند و مجاهدین نیز در تلاشند با نزدیکی بیشتر به آمریکا در محاسبات جدید آمریکا نقش خود را ایفا کنند.

خواننده نشریه بعد از خواندن این دو مقاله واقعا نمی‌تواند به یک نتیجه قطعی برسد. در مورد این که آیا نیروهای هوایی نظامی آمریکا - انگلیسی بالاخره به پایگاه‌های مجاهدین حمله کرده اند یا خیر؟ (سعید از سوئیس)

ج - رفیق سعید عزیز! اگر به همین جملاتی که از دو سرمقاله شماره‌های ۴۰۴ و ۴۰۵ نشریه کارنقل کرده‌ای، دقیق شوی، می‌بینی که اشاره هر یک از این دو سرمقاله در مورد مسئله مورد بحث به دو مقطع مختلف است.

در سرمقاله کار شماره ۴۰۴ صحبت از بمباران پایگاه‌های مجاهدین در پی سقوط صدام است. استناد این سرمقاله نیز به خبری است که در آن زمان از سوی فرماندهان نظامی ارتش آمریکا انتشار یافت و اعلام این خبر همزمان بود با خبری که سازمان مجاهدین خلق در مورد حمله نیروهای نظامی جمهوری اسلامی و عوامل و گروه‌های عراقی وابسته

به آن به مقرهای این سازمان منتشر نمودند. اما سازمان مجاهدین خلق در مورد خبری که فرماندهان نظامی ارتش آمریکا در مورد بمباران قرارگاه‌های این سازمان انتشار دادند، هیچ موضعی نگرفت و بالاخره هم مشخص نشد که آیا واقعا یک حمله نظامی به این پایگاه صورت گرفت یا صرفا یک عملیات ایزدایی بود و یا مانوری از سوی آمریکا برای راضی نگه داشتن جمهوری اسلامی. اما یک چیز مسلم است. اگر مقرهای مجاهدین جدا بمباران شده بودند در آن صورت می‌بایستی تلفات و خسارات سنگینی به بار می‌آورد، که اگر سازمان مجاهدین هم می‌خواست به هر علتی بر آن سرپوش بگذارد، قابل کتمان نبود.

با این همه باید گفت، واقعیت هر چه باشد، در مضمون سرمقاله و نتیجه‌گیری آن تغییری ایجاد نمی‌کند. این سرمقاله می‌خواست بگوید که امپریالیسم آمریکا برای پیشبرد سیاست‌های خود، سناریوهای مختلفی دارد. جنبه‌هایی از این سناریو ها در عمل به واقعیت تبدیل نمی‌شوند و مجاهدینی که یک سر قرار و مدارها و زد و بند‌های آمریکا و انگلیس با جمهوری اسلامی بودند در شرایطی دیگر در چارچوب سیاست دولت آمریکا به اهرم فشار علیه جمهوری اسلامی تبدیل می‌شوند.

اما سرمقاله نشریه کار شماره ۴۰۵ به مقطع زمانی دیگری اشاره دارد و به بمباران نشدن پایگاه‌های مجاهدین خلق در شرایطی اشاره می‌کند که آمریکا تا سیستمات سیاسی و نظامی رژیم عراق را زیر شدیدترین بمباران هوایی و موشکی قرار داده بود. اگر یک بار دیگر به جمله زیر توجه کنی روشن می‌شود که منظور مقاله چه مقطعی است. "این واقعیت در جریان بمباران‌های شدید آمریکا در عراق نیز نشان داده شد که مقرهای مجاهدین مورد بمباران‌های نیروهای نظامی آمریکا قرار نگرفت."

یعنی در تمام مدتی که رژیم صدام هنوز سقوط نکرده بود و شب و روز مراکز و تاسیسات نظامی و سیاسی آن در معرض بمباران و موشک باران مداوم نیروهای نظامی آمریکا و انگلیس قرار داشتند، حتما در یک مورد هم پایگاه‌های مجاهدین خلق مورد حمله نگرفت. در حالی که سازمان مجاهدین در لیست گروه‌های تروریست اعلام شده از سوی دولت آمریکا قرار داشت و قطعا نیروهای نظامی آمریکا اطلاعات دقیقی از محل استقرار مقرها و پادگان‌های آنها داشتند و چنانچه می‌خواستند، این مراکز را با خاک یکسان می‌کردند، در حالی که چنین اتفاقی نیفتاد.

با این توضیحات امیدواریم، که برایت روشن شده باشد که چرا در سرمقاله ۴۰۴ صحبت از بمباران پایگاه‌های نظامی مجاهدین است، در حالی که در سرمقاله ۴۰۵ گفته شده است که مقرهای مجاهدین مورد بمباران نیروهای نظامی آمریکا قرار نگرفتند.

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه‌های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه‌هایتان را به یکی از آدرس‌های زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071, Wien
Austria

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M. A. M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A. A. A
MBE 265
23, Rue L ecourbe
75015 Paris
France

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال نمایند

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره‌های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian - minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian - minority.org

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)

No. 408 juni 2003